

این مقاله يك ماه پیش نوشته شده بود که به علت اهمیت موضوع آن در این شماره درج می‌شود

## سخنی کوتاه درباره:

# وجدان جهانی!

مسلمانان پناهگاهی جز خود نیاید جستجو کنند



یکبار دیگر وجدان جهانی، به جوش و خروش افتاد... یکبار دیگر سازشکاران غرب و شرق زبان به تکوین و اعراب کشیدند... یکبار دیگر همه وسائل ارتباط جمعی جهان یکصد و متحد، بجای تقبیح متجاوز، سکوت اختیار کردند و حاضر نشدند این ندا را از اعماق تمام حوادث خاور میانه بشنوند که در این گوشه از جهان، دو میلیون انسان آواره پسر می‌برند و گروهی متجاوز سرزمین آنها را در بنه توپ، تانک و هواپیماها استمال کرده‌اند. در حوادث اخیر همکاری و عمده‌انی ایورتونیت‌های شرقی اردو گاه با اصطلاح سوسیالیسم و جنبش‌های رسوا و سوسیالیستهای قلابی دنیای با اصطلاح آزاد، با محافل ارتجاع بین‌المللی و امپریالیسم و هیونیسم جهانی، نه تنها تعجب‌انگیز نیست بلکه مسئله‌ایست که هر کسی چر آن انتظار داشته باشد، باید از تفکر دره معنولات خودداری کند... زیرا در روزگار یکه ارقبله گاه سوسیالیسم، طبق قرارداد اخیر هر سال متجاوزان در هر ادیهودی به «اسرا تیل» سادری شود (تادار اراضی اشغال شده جای گیرند) و متخارج نقل و انتقال آنرا هم قبله گاه کاپیتالیزم

میردازد (و این توافقی است که همه روزنامه‌ها نوشته‌اند) چه انتظاری جز حیات به‌مثل محروم می‌توان داشت...!

در حمله اسرائیل به بلاد عربی (دژ ۱۹۶۷) روزنامه‌های فرانسوی خیر دادند که دست چپی‌های فرانسه - همین حضرات وجدانی جهانی - از وسارتز گرفته تا ادانیل مایر رئیس مجمع دفاع از حقوق بشر! و لائوزمن و عضو یانده عصر جدید سارتز، با همکاری مطبوعات بوژوا، و ادگانهای پول و سرمایه‌داری، و شرکت بانکداران پیبودی، مانند دروچیلده و لاداز، و بزرگترین تظاهرات ضد عربی را برپا انداخته همه با هم یکمک واسرائیل شتافتند و در ظرف ۴۸ ساعت بیش از سه میلیارد فرانک (۱) امانه جمع‌آوری کردند... تعجب نکنید که ما از فرانسوه حرف می‌زنیم که گویا جانب اعراب را گرفته است... ما می‌خواهیم با بررسی وضع فرانسه و هوادار اعراب و در جنگ سرمایه‌داری غرب، وضع «هواداران اسرائیل» اندران دربار! بخوبی روشن شود.

همین چند روز قبل، حضرت فرانسوا میتران، رهبر معروف سوسیالیستهای فرانسه، طی اعلامیه شدیداللفظی به شوروی تاخت که چر شوروی از دانشمندان کمی خواهانده به اسرائیل مهاجرت کنند مالیات مخالفه می‌کند ۱۹ ولسی هرگز اعلامیه‌ای در محکوم ساختن تجاوز دیر مردم بیگناه دهکده‌های لبنان صادر نکردند...

و البته فراموش نکردیم که حمله فرانسه به کانال سوئز - همکاری اسرائیل و انگلستان - در موقعی صورت گرفت که همین حضرات سوسیالیستهای وجدان جهانی، در فرانسه حکومت می‌کردند. چنانکه قتل عام مردم الجزایر بوسیله رتجرهای فرانسوی هم درست در موقع حکومت همین حضرات انجام می‌یافت...

و در این میان اگر جناب پاپ هم به حضرات وجدان جهانی می‌پیوندد باید حجتی شگفتی نیست... همین جناب و جمع‌بتهای خبریه مذهبی مسیحی‌اش؟ در موقع یافیکری سرهنک دواجو که در نیچوریه و تشکیل حکومت باصلاح و بیافراء، برای گرسنگان آن سامان گویا دوا و غذا می‌فرستاد که در بین این‌ها دایا! اسلحه و سب بدست می‌آمد تا کجریه - طلبان شرقی به کشتار مسلمانان ادامه دهند... و اکنون همین جناب و دایر دست‌های برای چند اسرائیلی اشک می‌ریزد و مجلس فاتحه برپا می‌سازد؛ ولی قتل عام مردم لبنان و سوریه آنان را آورده خاطر نمی‌سازد، چرا که خون عرب مسلمان یا مسیحی، برای کاخ نمینان دبار و انیکان، ادژی ندارد و کشتار آنان جای تأسف نتواند بود..

(۱) هر فرانک فرانسه معادل تقریباً ۱۳ ریال پیول ایران است.

آری در حوادث اخیر وجدان جهانی، نخواست بگوید این آوارگان افرادی هستند که خانه و گاشته آنها با «بلد زره» ویران شده و پدر و مادرشان از سرزمین خود اخراج شده‌اند و ۲۴ سال تمام است که در بیابانهای سوختن این و آن ابر می‌برند و صاحبان آنها هم هر وقت ولشان نخواست، اینها را بیرون می‌کنند.

وجدان جهانی نخواست کشتارهای دستجمعی در بریاسین و «و کفر قاسم» را که نمونه - های آن هر روز در سرزمین‌های اشغال شده تکرار و تجدید می‌شود، تتبع کند... وجدان جهانی نخواست... و نخواست...

اما تا کی می‌توان سیر کرد... آیا وجدان جهانی شرم نمی‌کند که کشتارهای زنان و کودکان لبنان و سوریه، بوسیله تجاوز کاران را نادیده می‌گیرد؟ آیا وجدان جهانی وقتی می‌شنود کودک بنگ مادر، در کنار وی بوسیله بهای اسرا انبلی کشته شده‌اند، آنها را انسان قرض نمی‌کند؟ و از خونیه که ریخته شده ناراحت نمی‌شود؟... آیا... و آیا...

اینها همه نشان میدهد که وجدان جهانی، هم مانند بسیاری دیگر از کارهای این دنیا مستخر است و با برای محکوم ساختن ما است و روی این اصل مسلمانان نباید پناحگاهی در خودشان جستجو کنند، باید متحد شوند، باید پیا خیزند، باید خودشان در پناه نام «الله» بکمال و یک جان شوند و حق خود را از چنگ غاصبان بگیرند.

### روش مکتب اسلام

بسیار می‌شود که مسائلی در مجله مطرح می‌شود و با مدارک زنده و روشنی مورد بررسی و انتقاد قرار می‌گیرد و بعد در گوشه و کنار افرادی که اصولاً ناراحت و منگی یافتند و یا تمایل به شهرت دارند با مطالب مبتدل و خالی از منطقی به مقابله برخیزند شاید باید اینکه ما هم جوانگویی بر خیزیم و آنها را بمقتصدشان برسند.

ولی سیره ما معمولاً بر این بوده که مطالب را یکبار با مدارک کافی منعکس کنیم و وقت خود و خوانندگان محترم را با خطا بر جر و بحث باین و آن تلف نمی‌کنیم، زیرا اگر بخوایم دنبال سخن هر مدعی را بگیریم از اهداف اصلی باز میمانیم.

بدیهی است این سکوت مادر بر این بنگونه مخالف خوانیها سفوسی‌ای چرا آنچه گفتیم ندارد. مثلاً نامه‌ای در باره رساله «بررسی دعای ندبه» از طرف مؤلفین «منتشر ساختیم» که در آن اظهار نداشت از نوشته‌های خود کرده بودند. و برای همه کسانی که اهل تحقیق بودند کاملاً آسودنده بود این نامه را با بوسیله دوستان مورد اعتماد مستقیماً از خود نویسنده گرفته بودیم تا جای هیچگونه بحثی در آن نباشد.

ولی بعدها دیدیم نامه **مجموعی بر ضد آن درست کرده** و انتشار داده‌اند، و بعضی انتظار داشتند نامه دوم را که کاملاً معمول بود عیناً مطرح و به پاسخگویی میردازیم در حالی که این کار نه ضرورتی دارد و نه با روش ما می‌سازد و این خود نشان میدهد که ستأسفانه بعضی برای رسیدن به اغراض خود از هیچ کاری اماندارند!

کتاب علوم انسانی و مطالب  
نیاز جامع علوم انسانی